

## تغییر رفتار یا تغییر نظام جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی: اندیشکده بنیاد دفاع از دموکراسی ها)

محمد پورقربان<sup>۱</sup>، حمیدرضا تبشیری<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۱۹

### چکیده:

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران و به چالش کشیده شدن هویت قدرت های بزرگ علی الخصوص ایالات متحده آمریکا، این دولت با تغییر سیاست خارجی خود در قبال ایران آن را به شکل جنگ اقتصادی تمام عیار، ناامنی در مرزها، تحریک قومیت ها، حذف ایران از اقتصاد انرژی جهانی، تحریم هسته ای و موشکی، حمله نظامی به مواضع متحدان ایران در منطقه و ... دنبال کرده است. از همین رو سوال این پژوهش اینگونه مطرح می شود که هدف از سیاست فشار حداکثری که در سال های گذشته توسط رژیم های حاکم بر این کشور در قبال جمهوری اسلامی ایران بی پروا مطرح شد، چه بود و به دنبال چه هدفی می گشت؟ فرضیه این پژوهش آن است که ایالات متحده آمریکا اگرچه در سیاست آشکار اعلام کرده است به دنبال تغییر نظام جمهوری اسلامی ایران نبوده است اما به صورت پنهانی این سیاست را دنبال و آن را با عنوان سیاست تغییر رفتار پیگیری می کند. یافته های این پژوهش همگی بر این موضوع صحت می گزارد که تغییر نظام جمهوری اسلامی در جزء سیاست پنهان آن ها برشمرده می شود. از همین رو روش پژوهش در این تحقیق به صورت روش کتابخانه و به صورت توصیفی و تحلیلی انجام شده است.

**واژگان اصلی:** نو محافظه کاران؛ سیاست خارجی؛ سیاست فشار حداکثری؛ ایران؛ آمریکا.

۱. استادیار گروه علوم سیاسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران (نویسنده مسئول).

Email: mhpor@yahoo.com

۲. دانش آموخته رشته علوم سیاسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

## ۱. بیان مسأله

تاریخ ۴۵ ساله انقلاب اسلامی ایران نشان می‌دهد که این نهضت اسلامی همواره به دنبال به چالش کشیدن قدرت‌های هژمون دو بلوک غرب و شرق بوده است. از زمان پیروزی انقلاب در سال ۱۹۷۹، ایران سیاست‌های مستقلی را دنبال کرده که اغلب با منافع قدرت‌های بزرگ جهانی در تضاد بوده است. اقدامات ایران از جمله هویت‌سازی، تمدن‌سازی، نفی وابسته‌گی و غیریت‌سازی این انقلاب در ابعاد گوناگون که در تضاد با گفتمان‌های حاکم بر این نیم قرن بوده سبب ایجاد نزاع‌های فکری، فیزیکی مستقیم و غیر مستقیم با ایالات متحده که رهبری بلوک غرب را بر عهده داشته، گردیده است (قربانی، ۱۴۰۰).

ایالات متحده نیز، از ابتدای انقلاب سیاست‌های متعددی را در جهت حذف و بی اعتباری انقلاب ایران دنبال نموده است به ویژه در دولت سابق (ترامپ) که به طور رسمی توسط مشاور امنیت ملی خود (بولتون) اعلام کرد که سیاست قطعی آمریکا در قبال ایران (سیاست فشار حداکثری) است.

با گذشت هفت سال از اعلام سیاست فشارحداکثری شیوه اجرایی این سیاست را باید در لایه ی اول- ایجاد آشوب‌های معیشتی در شهرهای بزرگ، ناامنی در مرزها، تحریک قومیت‌ها، بی ارزش شدن ریال، ظهور ابرتورم و در لایه ی بعدی- کم شدن ارتباطات خارجی، تعطیل شدن تجارت خارجی، تعطیل شدن کسب و کار در حوزه ی اقتصادی به تبع آن کاهش مشروعیت، بالا رفتن هزینه ی حکمرانی ترسیم کرد که در نهایت منجر به بی حیثیتی در عرصه ی حقوق بشر، از بین بردن قدرت بازدارندگی با هدف اقدام نظامی محدود در راستای تشدید موارد قبلی را باید از اهداف این سیاست تعریف کرد. با این مقدمه سوال این پژوهش اینگونه مطرح می‌شود که آیا سیاست فشار حداکثری که توسط رژیم حاکم بر این کشور در قبال جمهوری اسلامی ایران مطرح شد به دنبال الگوی براندازی است یا به دنبال تغییر رفتار در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؟ فرضیه این پژوهش آن است که اگر مدل جامع قدرت ملی ایران متشکل از سه ضلع قدرت اقتصادی، قدرت نظامی و جایگاه و شناسایی سیاسی بین‌المللی در نظر گرفته شود، سیاست فشار حداکثری باید به دنبال تضعیف هر سه رکن قدرت جامع ملی ایران بوده؛ که در دو هدف کوتاه مدت (ثبات‌زدایی) و هدف بلند مدت (براندازی جمهوری اسلامی) پیگیری می‌شود به عبارتی دیگر ایالات متحده آمریکا اگرچه در سیاست آشکار اعلام کرده است به دنبال تغییر نظام جمهوری اسلامی ایران نبوده اما به صورت پنهانی این سیاست را دنبال و آن را با اسم سیاست تغییر رفتار دنبال می‌کند چرا که همانطور

که گفته شد هویت سازی و نفی سلطه از هویت اصلی این نهضت بوده است.

هدف از این پژوهش را می توان فهم سیاست خارجی آمریکا با منظومه ای از مدل ها گفت‌مانی به کار برد تا به درکی از سیاست فشار حداکثری رسید، تا تصمیم گیران ایرانی نیز بتوانند با توجه به منطق موقعیتی، نسبت به آن تصمیم بگیرند. در این تحقیق اضلاع فشار حداکثری، اهداف و مراحل آن که توسط اندیشکده های آمریکایی سیاست گذاری شد مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته می شود.

## ۲. پیشینه پژوهش

مقالات و پژوهش های متعددی در باب سیاست خارجی آمریکا و موضوع ایران نوشته شده است که می توان آن ها را به سه دسته تقسیم بندی کرد:

۱. تحلیل های تاریخی و تئوریک: این دسته شامل مقالاتی است که به بررسی تاریخچه روابط ایران و آمریکا و تحلیل تئوریک سیاست های خارجی می پردازند. به عنوان مثال، نویسندگان مقاله «سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران در دوران اواما و ترامپ» معتقدند که «سیاست خارجی آمریکا براساس امنیتی کردن فعالیت های هسته ای و رفتارهای منطقه ای ایران قابل تبیین بوده و مؤلفه های آن عبارتند از شخصیت و اعضای کابینه و لابی های عبری-عربی. سیاست خارجی اواما در قبال ایران با استفاده از رویکرد تعامل و فشار (قدرت هوشمند) موفقیت آمیز بود، ولی سیاست خارجی ترامپ با توجه به ماهیت تهاجمی و شکاف در اردوگاه غرب، ناکام ماند. بنابراین، می توان نتیجه گرفت که هر دو رئیس جمهور سعی داشتند با ایجاد بحران های سیاسی، اقتصادی و تهدیدات نظامی در ابعاد داخلی و خارجی، منافع جمهوری اسلامی را به چالش بکشند» (عابدینی و همکاران، ۱۴۰۱).

۲. تحلیل های سیاست گذاری و استراتژیک: این دسته شامل مقالاتی است که به بررسی سیاست های خاص و استراتژی های آمریکا در قبال ایران می پردازند. در مقاله ای با عنوان «سیاست فشار حداکثری آمریکا و راهبرد مهارگریزی ایران» در مقابل فشار حداکثری ایالات متحده، جمهوری اسلامی ایران سیاست مهارگریزی را به عنوان راهبرد اصلی خود برگزیده است. این سیاست که از طریق «بازدارندگی نامتقارن» اعمال می شود در سه قالب بهره گیری از گروه های پروکسی و ... اعمال شود (گل محمدی، وزیریان، ۱۴۰۰).

۳. تحلیل های تأثیرات و پیامدها: این دسته شامل مقالاتی است که به بررسی تأثیرات و پیامدهای سیاست های خارجی آمریکا بر ایران و منطقه می پردازند. به عنوان مثال می توان به مقاله های زیر اشاره کرد: الف) «تحلیل سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا در قبال پرونده هسته ای

ایران» که به نقش اتاق‌های فکر در جهت‌دهی به سیاست خارجی آمریکا می‌پردازد. (ب) مقاله تبیین شیوه عملکرد و اهداف سیاست «فشار حداکثری» آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران که تلاش شده است تحلیلی از رفتار امنیتی ساز آمریکا، ذیل عبارت امنیتی سازی حداکثری و نتایج و پیامدهای آن ارائه کند در این پژوهش محققین معتقدند که «سیاست فشار حداکثری دولت ترامپ، در عمل شکست خورده و دیپلماسی و توافق بهترین روش در قبال ایران است» (سمیعی اصفهانی و کمالی، ۱۴۰۱).

وجود تحقیقات انجام شده که حاکی از اهمیت موضوع این پژوهش دارد این محقق را بر آن داشته تا ضمن تداوم موضوع یاد شده به دنبال اهداف پنهان که خلاء موجود در تحقیقات با موضوع سیاست فشار حداکثری بوده برود؛ همچنین کوششی در توسعه نظری موضوع پژوهش حاضر باشد.

### ۳. چارچوب نظری

سیاست خارجی در ایالات متحده آمریکا در بین دو حزب سیاسی جایگاه مهم و معتبری دارند به نحوی که تصمیم‌های اتخاذ شده به عنوان سند راهبردی آن حزب در انتخابات آن کشور معرفی می‌شود (Smith, 2020: 45).

برای شناخت دقیقتر و وافی‌تر برای تحلیل بحث پیش رو باید به مدل‌های تصمیم‌گیری در مراکز فکر این احزاب اشاره شود تا بتوان منطق سیاست خارجی ایالات متحده در قبال ایران را بهتر مورد ارزیابی قرارداد.

#### ۳-۱. مدل عقلانی: این مدل تصمیم‌گیری از عناصر زیر تشکیل شده است:

- انتخاب اهداف توسط تصمیم‌گیران؛

- ارزیابی از اهمیت اهداف؛

- محاسبه‌ی هزینه‌ها و فواید هر کدام از مسیرهای اجرایی؛

- انتخاب مسیر با کمترین هزینه و بیشترین سود.

در این مدل ارزیابی از ریسک‌ها و هزینه‌ها چالشی است. مطابق فرض واقع‌گرایان، رفتار دولت‌ها به عنوان بازیگرانی یکپارچه و واحد است. اما دولت‌ها در واقع ساخته شده از افراد و نهادهای متعددی هستند که با منطق خود پیگیر اهدافی هستند. برای نمونه اختلاف نظر در هدف‌ها و ارزیابی وزارت خارجه آمریکا، سیا و شورای امنیت ملی آمریکا از موقعیتی واحد مثالی از

عدم یکپارچگی تام است. همین تعدد و عدم اطمینان اجزا از خروجی احتمالی، وضعیت را پیچیده می‌کند (ملکی، ۱۳۹۴).

**۳-۲. مدل پردازش سازمانی:** در این مدل معمولاً گام‌های وقت‌گیر مربوط به شناسایی اهداف و راهکارهای مختلف کنار گذاشته می‌شود و بیشتر تصمیم‌ها بر اساس پاسخ‌دهی استاندارد و روال‌های استاندارد عملکردی گرفته می‌شود. برای نمونه وزارت خارجه امریکا روزانه هزاران دستورالعمل و پاسخ به گزارش‌های دیپلماتیکی که سفارت‌خانه‌هایش در سراسر دنیا دریافت می‌کند، می‌دهد و مقامات بالاتر هیچ‌گاه این گزارش‌ها و پاسخ‌ها را نخواهند دید (ملکی، ۱۳۹۴).

**۳-۳. مدل مبتنی بر دیوانسالاری:** در این مدل تصمیم‌های گرفته شده برآیند و حاصل چانه‌زنی‌های سازمان‌های درون حاکمیتی و دولتی مختلف است که منافع مختلفی پیگیری می‌کنند. برای مثال وزارت بازرگانی آمریکا به ابعاد تجاری یک اقدام توجه می‌کند و وزارت خارجه به ابعاد سیاسی. در نهایت پس از کشمکش تصمیمی گرفته می‌شود که منعکس‌کننده سازمان‌های مختلف یک دولت و منافع هر کدام باشد (ملکی، ۱۳۹۴).

**۳-۴. مدل تصمیم‌گیری فردی:** نمونه‌هایی از این مدل را می‌توان در تصمیماتی مانند اینکه ترومن باید تصمیم می‌گرفت که در جنگ جهانی دوم از سلاح هسته‌ای استفاده کند یا خیر، دید. چرا که کسی فراتر از او در زنجیره تصمیم‌گیری نبود. در نمونه‌ای دیگر، بیل کلیتسون رویه‌ی زیگزایی و بعضاً تساهلی در سیاست خارجی داشت. وی بخشی از این رفتار و تمایلش به توافق را مربوط به رنج‌های کودکی تحت ناپدری الکلی و خشن خود می‌دانست (ملکی، ۱۳۹۴).

**۳-۵. اهمیت روان‌شناسی تحلیلی:** اهمیت روان‌شناسی تحلیلی در مدل تصمیم‌گیری فردی بسیار برجسته است و سوالاتی می‌توان در این باب طرح کرد:

- افراد و سران کشورها تا چه حد قادرند تصمیم منطقی بر اساس منافع ملی بگیرند؟
- آیا منطبق فردی ضرورتاً منجر به منطبق کشورها می‌شود؟
- آیا دولت‌ها تصمیم‌های غیرمنطقی فردی را فیلتر و تبدیل به تصمیمی منطقی می‌کنند؟
- آیا دولت‌ها تصمیم منطقی افراد را تحریف و تبدیل به تصمیمی غیرمنطقی می‌کنند؟
- نقش ارزش‌ها و باورهای فردی در این میان چه می‌باشد؟

**۳-۶. فرآیندهای روان‌شناختی:** در بررسی فرآیندهای روان‌شناختی باید به احتمال برداشت‌گزینشی و دلخواه و سوء برداشت توجه نمود. چرا که می‌تواند سبب ایجاد حائلی برای تصمیم

گیران باشد که منجر به ایجاد نادیده گرفتن اطلاعاتی که با تجربیات قبلی سازگار نیست، گردد (ملکی ۱۳۹۴).

## ۴. یافته های پژوهش

### ۴-۱. بنیاد دفاع از دموکراسی ها

یک اندیشکده نومحافظه کار مستقر در واشینگتن، دی.سی. است که تمرکز آن بر امنیت ملی و سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا است. مدیر عامل این بنیاد مارک دوبروویتز است و کلیفورد دی می رئیس آن می باشد. این بنیاد از کمک های مالی افراد و شرکت های مختلف، به ویژه ثروتمندان یهودی آمریکایی، تأمین مالی می شود. اغلب گزارش هایی این موسسه بدلیل طرف مشاور قرار دادن ایرانیان مخالف با نظام جمهوری اسلامی با رویکرد انتقادی و براندازانه منتشر می شود. این بنیاد معتقد است که سیاست های جمهوری اسلامی تهدیدی برای امنیت منطقه ای و جهانی هستند و به همین دلیل، تغییر رفتار یا حتی تغییر رژیم را به عنوان راه حل هایی برای این تهدیدها مطرح می کند. این رویکرد باعث شده که نه تنها دولت ایران، بلکه مردم ایران نیز تحت تأثیر این سیاست ها قرار بگیرند، به ویژه از طریق تحریم ها و فشارهای اقتصادی که به عنوان ابزارهایی برای تغییر نظام ایران استفاده می شوند. دلیل همسویی دولت ترامپ به این اندیشکده دارا بودن شبکه ارتباطی قوی با مقامات و مشاوران ارشد دولت ترامپ بود. این ارتباطات به آن ها اجازه می داد تا تأثیرگذاری بیشتری بر سیاست های دولت ترامپ داشته باشند.

### ۴-۲. تصمیم سازی های اندیشکده

#### ۱. سیاست فشار حداکثری

گلدبرگ دستیار سابق بولتون در کاخ سفید، پیش از انتصاب در مسئولیت اش و در هنگام اشتغال در بنیاد دفاع از دموکراسی ها، در سال ۱۳۹۶ طرحی جامع برای خروج از برجام تهیه و آن را در محافل دست راستی و ضدایرانی توزیع نمود. گام نخست عدم تأیید برجام در موعد ۹۰ روزه بود. در گام دوم امکان بازگشت همه ی تحریم ها - که او آن ها را شدیدترین تحریم های مالی تاریخ می داند - به شدیدترین شکل ممکن و استفاده از تمام گزینه های تحریمی در دسترس در قالب صدور فرمان اجرایی باید به صریحترین شکل ممکن به ایران تفهیم می شد. طبق راهکار پیشنهادی گلدبرگ، آمریکا در اجرای این تحریم ها نباید هیچ تاخیر و تنفسی روا دارد یا آنکه خود را معطل متحدانش نگه دارد (گلدبرگ، ۱۳۹۶).

بلکه باید مانند اقدام کندی در محاصره ی کوبا در بحران موشکی سال ۱۹۶۱، فی الفور ایران را در محاصره ی کامل مالی و اقتصادی قرار دهد (Jones, 2022: 112-130). همچنین باید حکومت ایران متقاعد شود در صورت خروج ایران از برجام و تلاش برای ساخت سلاح هسته ای، در برابر ثبات زدایی ناشی از تحریم ها مغلوب خواهد شد. تاکید بر شدت دادن به تحریم ها تا سر حد خفگی و بی اعتبار کردن دلایل بشر دوستانه برای باز نگاه داشتن مسیرهای تجارت با ایران را باید در این چارچوب دید.

گلدبرگ در ادامه می گوید که اگرچه اقتصاد ایران در سایه ی برجام به ثبات نسبی رسیده اما بنیادهای اقتصادی جمهوری اسلامی ایران هنوز آسیب پذیر و شکننده هستند. بنابراین با خروج آمریکا از برجام و قطع ناگهانی دسترسی ایران به حساب های بانکی، تعلیق بیمه نامه ها در همه ی صنایع، قطع شدن از سوئیفت و همه ی بانک های خارجی و کاهش شدید در صادرات نفت، ایران با بحران ارزی مواجه خواهد شد (گلدبرگ، ۱۳۹۶). این بحران ارزی منجر به هرج و مرج و ترس در ایران خواهد شد به شکلی که ثبات حکومت جمهوری اسلامی ایران به خطر خواهد افتاد. وی مدعی بود ثبات زدایی از حکومت جمهوری اسلامی ایران باید زودتر از موعد ۷ تا ۱۲ ماهه ای که لازم است تا ایران برنامه ی هسته ای خود را به آستانه ی قبل از برجام بازگرداند، انجام شود. البته وی تصریح نمی کند که این ثبات زدایی ناشی از محاصره ی اقتصادی کامل دقیقاً به چه معنا است اما به نظر می رسد او امکان براندازی جمهوری اسلامی ایران ظرف این بازه را مد نظر داشته است.

## ۲. جنگ اقتصادی تمام عیار

با خروج آمریکا از برجام و ادامه یافتن سیاست اعمال فشار حداکثری بر ایران، تضعیف اقتصادی بنا به نظر برخی کارشناسان تا حدی محقق شده، اگرچه ابر تورم در ایران رخ نداده است. نیشان رفعتی کارشناس مسائل ایران در گروه بین المللی بحران معتقد است «بیشتر شرکت ها ایران را ترک نموده اند و روزهای سخت تری در انتظار اقتصاد ایران است همچنین اسکات لوکاس کارشناس مسائل ایران در دانشگاه بیرمنگام هم معتقد است تحریم های جدید آمریکا بر خلاف تحریم های دولت های قبلی که هدفمند بود، عمومی و فراگیر هستند.» (نیسان رفعتی، ۱۳۹۷).

برای نمونه تحریم های جدید به جای شرکت ها و افراد، کلیت حکومت ایران را هدف قرار داده اند. لوکاس معتقد است اقتصاد تضعیف شده ی ایران از تحریم های جدید ضربات سخت تری خواهد خورد. استیو هانکه اقتصاددان آمریکایی دانشگاه جانز هاپکینز آمریکا معتقد است تحریم های

جدید آمریکا بر ضد ایران کاری با تغییر رفتار حکومت ایران ندارد و به دنبال نابود کردن حکومت ایران و یک جنگ اقتصادی تمام عیار بر ضد ایران است (استیو هانکه، ۱۳۹۷).

### ۳. ثبات زدایی راهبردی

گلدبرگ کمترین دستاورد ثبات زدایی از حکومت ایران را خرید وقت برای طراحی راه حل های خلاقانه و موثر نظامی برای مقابله با ایران می داند. وی می افزاید که در سایه ی تهدید تحریم ها، حکومت ایران محض خاطر بقا هم که شده رفتارش را تغییر خواهد داد (گلدبرگ، ۱۳۹۶).

هم اینک نیز رگه هایی از این بخش از برنامه به شکل اتهام زنی گسترده پیرامون ابعاد احتمالی نظامی برنامه ی هسته ای ایران و بازگشایی این پرونده با تکیه بر آرشیو ادعایی نتانیاهو و همچنین اتهام زنی به ایران در زمینه ی سلاح های شیمیایی به چشم می خورد.

در راستای این سیاست، گروهی از تحلیل گران نومحافظه کار بنیاد دفاع از دموکراسی ها معتقدند بودند در صورتی که جمهوری اسلامی ایران تحت فشار شدیدی قرار بگیرد ممکن است دست به اقداماتی مانند حملات سایبری، حمله به متحدان و منافع آمریکا از طریق گروه های شیعه و جهادی های سنی و وابستگان خود در اقلیم کردستان عراق و دولت مرکزی عراق و اختلال در تولید نفت در عربستان و عراق بزند اند (Alfoneh, 2021). آمریکا باید آستانه ی تحمل خود در قبال این اقدامات احتمالی ایران را پایین بیاورد و از تهدید ایران به پاسخ نظامی و اجرای آن، حتی در صورت فقدان مدارک قطعی در مورد دست داشتن ایران در این اقدامات، باکی به خود ندهد. بدین ترتیب ایران که برنامه اش ماندن در برجام است مجبور به اجرای تعهدات برجامی خواهد بود و در عین حال از اقدام جلدی در برابر تحریم ها و فشارهای آمریکا عاجز خواهد شد. همچنین پتساگون باید بر حجم تهدیدات لفظی بر ضد ایران بیفزاید و حضور ناوها و تجهیزات آمریکایی در منطقه هم باید افزایش یابد تا ایران عواقب احتمالی رفتارش را جلدی بگیرد.

### ۴. اجرای سرسختانه ی تحریم ها و فرسایش اقتصاد ایران

در گام سوم هم گلدبرگ می گوید باید برای آسیا و اروپا روشن شود که اراده ی آمریکا در اجرای تحریم های یکجانبه جلدی است. همین باعث می شود که در عرصه ی واقعیت تحریم ها موثر واقع شود (گلدبرگ، ۱۳۹۶).

دیدگاه گلدبرگ در مورد موثر بودن تحریم ها تا حدود زیادی محقق شده به طوری که صندوق بین المللی پول، برآورد خود از خسارت تحریم ها بر اقتصاد ایران را افزایش داد. وضع مجدد



تحریم‌های آمریکا بر ضد ایران، تمام برآوردهای مثبت صندوق بین‌المللی پول از اقتصاد ایران در سال جاری و سال آینده را واژگون کرده است. برآوردهای پیشین و کنونی این صندوق برای اقتصاد ایران، ۲۲ آبان ۱۳۹۷ منتشر شد:

- در اردیبهشت ۱۳۹۷ پیش‌بینی این صندوق حاکی از رشد مثبت ۴ درصدی اقتصاد ایران برای سال ۱۳۹۷ بود اما هم‌اینک رشد منفی یک و نیم درصدی برای امسال پیش‌بینی شده است.

- برای سال ۱۳۹۸ نیز که این صندوق رشد مثبت ۴ درصدی پیش‌بینی کرده بود این میزان به منفی سه و شش‌دهم درصد تغییر یافت.

- با توجه به رشد اقتصادی منفی در سال ۱۳۹۹، حجم اقتصاد ایران برای دو سال پیاپی کوچک‌تر خواهد شد.

- برآورد این صندوق برای تورم ایران در سال ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ نیز که در اردیبهشت‌ماه حدود ۱۰ درصد بود به ترتیب به ۳۰ و ۳۴ درصد افزایش یافت.

- ایران برای داشتن بودجه‌ی متعادل با توجه به کاهش صادرات نفت، در سال ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ به نفت بالای ۹۸ و ۹۵ دلاری احتیاج خواهد داشت.

تحریم‌های نفتی پیش‌بینی‌های بانک جهانی از اقتصاد ایران را نیز بدبینانه کرده است به نحوی که بنا به آمار این نهاد، اقتصاد ایران در سال ۱۳۹۸ و سال ۱۳۹۹ دچار انقباضی شدیدتر از قبل خواهد شد و با ثبات شدن تورم نیز، حدود دو سال زمان می‌برد و تورم تا آن زمان روند صعودی خواهد داشت. چنین شرایط منجر به حادثه شدن رکود تورمی می‌شود و در صورت اصرار بر چاپ پول و افزایش نقدینگی و عدم تعادل بودجه‌ای و کاهش ذخایر ارزی کشور، انتظارات تورمی را افزایش می‌دهد و می‌تواند ایران را وارد ابر تورم کند. اگرچه حفظ اعتبار بانک مرکزی در افکار عمومی تأثیر دارد و حمله رسانه‌ای به این نهاد برای سیاسی‌کاری‌های روزمره برای کشور مضر است.

فروش نفت در بین سال‌های ۹۶ تا ۱۴۰۰ بنا به برآورد غربی‌ها به زیر ۴۰۰ هزار بشکه در روز رفت و آن‌ها صبورانه منتظر نمود کاهش صادرات نفت و فلج کردن اقتصاد ایران شدند. آمریکا انتظار داشت با آشکار شدن آثار تحریم‌های نفتی در آینده موضع اقتصادی ایران باز هم تضعیف شود. کماکان برنامه‌ی براندازی اقتصادی به همراه گزینه‌های مکمل، محدود، موثر و معتبر نظامی را دنبال می‌کنند (Katzman, 2020: 123-145).

همچنین سیاست مجازات دسته‌جمعی ایرانیان و غیرنظامیان که نقض فاحش حقوق بشر

است در سایه ی این حقه به فراموشی سپرده می شود. افزون بر این آشکار شده که عربستان، اسرائیل در ادامه ی برنامه ی منطقه ایشان برای کلنگی کردن منطقه و تقسیم کار بین خودشان برای ایجاد نظم جدید، در صدد آن هستند ایران را همچون یمن به کشوری شکست خورده تبدیل کنند. متهمی ظرفیت انجام این کار را ندارند و با استفاده از قدرت مالی و نظامی آمریکا و در سایه عدم ارتباط ایران و آمریکا در حال انجام این کار هستند.

البته به طور کلی، نباید از پیشنهاد مذاکره هم زمان با وضع تحریم ها متعجب شد چرا که در جنگ ویتنام نیز هم زمان با مذاکرات صلح در پاریس، آمریکایی ها ویتنام و کامبوج را بمباران می کردند، چرا که به صلح از موضع قدرت معتقدند و ضرورتا این گونه اقدامات، اعتبار مذاکره را از نظرشان زیر سوال نمی برد.

### ۵. حذف سهم ایران از بازارهای جهانی انرژی

در زمینه ی نفت ایران ضربات جدی خورد و بازارهای صادراتی خود را به رقبای سعودی، آمریکایی و روسی واگذار کرده است. با زوال اوپک، قیمت نفت در سال ۱۳۹۸ و پس از آن در دستن ترامپ، پوتین بن سلمان قرار گرفت. هم‌اکنون، آمریکا، روسیه و عربستان بیش از ۱۵ عضو اوپک نفت تولید می‌کنند و نقش اوپک در بازار سازی را بی‌اثر کرده‌اند. اگرچه سه بازیگر نام برده منافع یکسان و یکسویی در بازار نفت ندارند. در هر حال حذف ایران از جایگاه راهبردی در اوپک، کاهش اهمیت اوپک و سقوط جایگاه ایران در سیاستگذاری بازارهای انرژی، اثر سوء درازمدت خود را خواهد داشت.

سهم ایران از بازارهای سال های آینده بازار جهانی گاز به سبب رقابت شدید با قطر، روسیه و آمریکا و حذف ایران از بازار در خطر است و روند مشابهی در بازار نفت در حال شکل گیری است که روسیه، آمریکا، عربستان و عراق از حذف ایران از بازار نفت متفع می شوند و منطق اقتصادی محکمی در حال ایجاد شدن برای تداوم تحریم هاست که روسیه و آمریکا را هم زمان متفع می کند و ایران باید چاره ای بیندیشد. صنعت نفت و گاز نقطه ضعف نیست بلکه موتور اقتصاد ایران و مزیت نسبی ایران است و باید ایران از آن بهره برد و گرنه در وضع مهار دائمی به سر خواهد برد و این شرایط اقتصادی انقباضی (رکود توری حتی در صورت اجتناب از ابرتورم) با احتساب وضع جمعیت شناسی و تغییرات اقلیم در ایران مشکل زا خواهد بود.

از جمله تحریم ها و اقداماتی که او به همراه مارک دوبویوتز در طراحی و ارائه ی آن ها نقش

داشت می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- تحریم شرکت ها صرف سهامداری سپاه در آن ها فارغ از اینکه سپاه سهامدار اکثریت است یا نه.
  - حاکم کردن فضای نامنی در بورس تهران برای خروج سرمایه و افزایش نقدینگی سرگردان و سقوط ریال.
  - مین گذاری در بازارها و فرصت های سرمایه گذاری در ایران.
  - ماندن ایران در لیست سیاه فاتف و قطع ایران از سوئیفت.
  - ضرورت تحریم نفتی و بانکی کامل ایران و عدم تمدید معافیت ها.
  - تحریم پتروشیمی برای فشار آوردن به درآمدهای غیرنفتی و کسری ارز در کشور و دشواری در تأمین کالاهای اساسی.
  - رصد دقیق روابط ایران و عمان و امارت نشین دبی و قطر و بستن همه ی مفرها و راه های تنفس ایران.
  - تحریم فلزات برای صدمه زدن به اشتغال در صنایع فلزی و سایر صنایع مرتبط و بالا بردن بیکاری و کاستن از صادرات غیرنفتی.
  - تحریم مخابرات و رایانه.
  - تحریم خدمات مهندسی و عمرانی.
  - تحریم همتای ایرانی اینستکس.
- بازگشایی پی ام دی و اثبات تقض ماده ی ۲ ان پی تی و بی انگیزه کردن اروپا از تداوم برجام، نیز توسط بهنام طالب لو، اولی هاین، دیوید آلبرایت و اندرئا استریکر در یک همکاری مشترک بین بنیاد دفاع از دموکراسی ها و موسسه علوم و امنیت بین الملل و بر اساس اسناد مدعایی سرقتی نتانهاو از ایران، در حال انجام است تا بتوان مجددا پرونده ی ایران را ذیل فصل ۷ به شورای امنیت برد(سلیمانی، ۱۳۹۶: ۱۴).

## ۶. تحریم های جدیدتر و بحران کارآمدی

در مورد توسعه ی تحریم ها و وضع تحریم های فلزی، افزایش بیکاری، هدف قرار دادن صنایع وابسته همچون خودروسازی، کاهش صادرات غیر نفتی و محدودیت در دسترسی به ارز فیزیکی از اهداف مد نظر است. سعید قاسمی نژاد در بنیاد دفاع از دموکراسی ها برای ایجاد بحران

کارآمدی در جمهوری اسلامی و کاهش مشروعیت و بی ثبات سازی ارز و ورشکست کردن اقتصاد ایران در راستای اهداف بنیاد دفاع از دموکراسی ها فعال است. علاوه بر فلزات سنگین، وی تحریم بخش پتروشیمی را پیشنهاد نموده و به طور ویژه از پتروشیمی های کرمانشاه، پردیس، هلدینگ نفت و گاز پارسیان، پتروشیمی شیراز و پالایشگاه تبریز به عنوان سرسبدهای ارزآوری نام می برد. اگرچه تحریم پتروشیمی پیشنهادی وی منحصر در این واحدها نیست و کلی و بخشی است. وی بر بین المللی کردن تحریم ها با بهانه ی موشکی و یا ذیل نقض قطعنامه ی ۲۲۳۱ تاکید دارد. توجیه او برای تحریم این صنایع، شراکت سپاه در آن ها و مشارکت این صنایع در بخش فناوری و ریخته گری و طراحی و ساخت پیشرفته ی موشکی است تحریم خودروسازی، الکترونیک، مخابرات و علوم رایانه، دانشگاه های صنعتی و مراکز تحقیقاتی نیز از دیگر تجویزهای اوست. ممنوعیت استفاده از دلار فیزیکی برای دولت ایران، تحریم نهادهای تحت نظارت مقام معظم رهبری به شکلی مستقل و تحت دستور اجرایی ۱۳۸۷۶، تحریم بانک مرکزی به عنوان SGDT یا FTO و تحریم بنادر نیز از دیگر تحریم های پیشنهادی دیگر او بود (saeedghasseminejad.com).

#### ۷. فشار در حوزه ی منطقه ای

در سوریه، همان طور که هآرتض می گوید در نشست ۳ جانبه ی مشاوران امنیت ملی روسیه، اسرائیل و آمریکا، آمریکا و اسرائیل سعی نمودند با در نظر گرفتن امتیازاتی ویژه برای روسیه در حفظ پایگاه های نظامی و مشارکت در برنامه های بازسازی سودآور به هزینه شیوخ خلیج فارس، روسیه را در تقابل با ایران قرار دهند و محوری متشکل از روسیه، آمریکا و اسرائیل برای سوریه چه با اسد و چه بدون اسد تعیین تکلیف کند و دستان ایران را از سوریه کوتاه کند.

بنا به گفته «میدل ایست آی» نزدیک به قطر، الجبیر و مقامات اطلاعاتی عربستان نیز در این نشست یا حاشیه ی آن حاضر بودند و با روسیه، آمریکا و اسرائیل تبادل نظر کردند. بنا به گزارش این رسانه، پیشتر نیز الجبیر و مقامات امنیتی سعودی برای متقاعد کردن آمریکا و بریتانیا به حملات محدود به ایران برای رایزنی به بریتانیا رفته بودند. عربستان و اسرائیل و امارات درصدد کلنگی کردن ایران و یمنی کردن وضع ایران به خرج و سلاح آمریکا هستند (middleeasteye.net).

ظاهرا عربستان، امارات درصدد تقسیم منطقه به حوزه های نفوذ بین خود و اسرائیل به عنوان شرکای آمریکا در منطقه و سیادت عربستان-امارات بر جهان عربی سنی از طریق معامله قرن و تولید قدس، مکه و مدینه هستند. امری که با بی دولتی بیشتر کشورهای عربی و حذف صدام،

مبارک، قذافی، البشیر، بوتفلیقه تسهیل شده منتهی موضع اردن، مراکش و مصر و مقاومت ترکیه و قطر هنوز اهمیت دارد و ایران نیز باید در این بین کلنگی شود.

همچنین در بحث یمن نیز با توجه به قطعنامه ی ۲۲۱۶ که از قضا با رای ممتنع روسیه تصویب شد، می توان گشت زنی دریایی برای اجرای تحریم تسلیحاتی یمن را تشدید کرد که قاعدتا در چارچوب همین قطعنامه خواهد بود. فشارها بر عمان نیز بر سر این موضوع و قطع کردن شریان های اقتصاد ایران در این کشور است. همچنین می توان فعالیت های موشکی و منطقه ای ایران را ذیل نقض قطعنامه ی ۲۲۱۶ و ادعا مبنی بر اینکه ایران تحریم تسلیحاتی یمن را شکسته و در هماهنگی با بندهای موشکی ۲۲۳۱ پیش برد که با همراهی اروپا مواجه خواهد شد و نقش چین و روسیه در این میان کلیدی خواهد بود که آمریکا درصدد است با استفاده از اهرم سوریه و اوکراین بر روسیه و با حربه ی امنیت انرژی و جنگ تجاری چین را وادار به همراهی یا لا اقل سکوت کند.

در آستانه ی نشست جی ۲۰ ترامپ زیرکانه گفت امنیت انرژی خلیج فارس بیشتر از همه برای شرق آسیا و در صدر آن چین و ژاپن عایدی دارد و این کشورها هم باید از منافع اقتصادی و امنیت انرژی خودشان دفاع کنند. با توجه به اینکه آمریکا قدرت فائده ی خارجی در خلیج فارس است در صورتی که چین، روسیه، هند، ژاپن و کره ی جنوبی و دیگران ناوگان هایی برای اسکورت کشتی ها اعزام کنند نقش هماهنگ کننده و فرمانده با آمریکا خواهد بود و اظهارات آمریکا شاهی برای تلاش آمریکا برای ترتیب دادن چنین ائتلافی است.

با ایجاد تواتر معنایی در مورد دست داشتن ایران در خرابکاری در نفتکش ها، علی رغم اثبات نکردن مدعایشان، آمریکا سعی داشت زمینه ی برخورد سخت با ایران را فراهم کند. با توجه به هژمونی رسانه ای آمریکا، تواتر معنایی یک ادعا اثر دارد و آن ها در موعد مقرر با استدلال به همین تواتر می گویند دیگر صبر و به اصطلاح خویشنداری آمریکا در قبال آنچه تنش زایی تهران اعلام می کنند جایز نیست. این تواتر معنایی در بیانیه ی سه گانه ی اروپایی کاملا نمود دارد به طوری که هم بر شمار و هم بر گستره ی رویدادهایی که تلویحا متوجه ایران شده تأکید شده است.

## ۸. ائتلاف گشت زنی دریایی

ائتلاف گشت زنی دریایی «ستینل» که دولت ترامپ و بایدن پیگیر آن بودند از چند جهت قابل توجه بود (واحدی، ۱۳۹۸).

- تراکم نیروهای نظامی حاضر در منطقه را بالا می برد و خلیج فارس را مستعد درگیر به ظاهر

«تصادفی» می نماید.

- کشورهای زیادی را درگیر خود می نماید و می تواند به تهدیدانگاری ایران کمک نماید و هند و چین را نیز در تقابل با ایران قرار دهد. آمریکا بازیگران موجهی مانند نروژ را نیز دعوت نموده است.

- کشورهای آسیایی و اعضای ناتو را نیز در بر می گیرد تا آمریکا بتواند این کشورها را تحت لوای امنیت جمعی علیه ایران بسیج کند. دولت کنونی آمریکا از چندجانبه گرایی نظامی/امنیتی به عنوان یکی از اهرم های فشار برای اعمال قدرت آمریکا استفاده می کند.

- راه را برای محاصره ی دریایی ایران و توقیف نفتکش های بیشتر هموار می کند.

- درصد خارج کردن کنترل تنگه ی هرمز از دست ایران است، با توجه به تروریستی اعلام شدن سپاه، نوع تعامل پنتاگون با سپاه پس از شکل گیری این ائتلاف ممکن است تغییر کند.

- به ائتلاف سعودی در یمن کمک می نماید چرا که آمریکا مدعی است ایران از طریق آبی-خاکی و دریای عمان/کشور عمان به حوثی ها کمک می نماید. روابط ایران و عمان را متشنج می سازد و شریان های اقتصادی ایران در عمان را نیز می بندد.

- آمریکا قبل از اقدام کیتیک نظامی احتمالی علیه ایران ائتلاف و مقدمات لازم را فراهم می کند تا نوع، شدت، زمان و مکان حمله ی بالقوه به ایران را خود انتخاب کند نه آنکه چون ماجرای پهباد در موضع انفعالی باشد.

- با توجه به تعامل نزدیک بنیاد دفاع از دموکراسی ها با ژنرال مک کنزی فرمانده سستکام و ژنرال مک مستر مشاور سابق امنیت ملی ترامپ، این بنیاد در حال اثرگذاری روی دیدگاه نظامیان آمریکا و تحریک آنان ضد ایران است. پنتاگون به دلیل دیدگاه نهادی خود، ایران را تهدیدی مهم و فوری ارزیابی نمی کند و مایل است روی روسیه و چین متمرکز شود.

ایران می تواند اقدامات خود در کاهش تعهدات برجامی را در راستای بازگرداندن آمریکا به برجام بازنمایی کند و بدین ترتیب اروپا را در انفعال نگه دارد و مانع از فعالسازی ماشه شود. چنین استدلالی می تواند منظم و منسجم و متوالی ارائه شود که «اقدامات ایران و ادامه ی کاهش تعهدات» به منظور «بازگرداندن آمریکا به برجام» و «تلاش برای حفظ برجام» است و نه ساخت سلاح. می توان ابراز کرد، کاهش زمان گریز ایران، اثر «ناگزیر تلاش ایران برای حفظ برجام» و اثر اجتناب ناپذیر اقدامات آمریکاست. هم زمان آمریکا نیز قصد دارد پشت استدلال حفاظت از امنیت آبراه ها پنهان

شود تا ائتلاف نظامی فعالی علیه ایران شکل دهد و آن را برای به اصطلاح «اجتناب» از جنگ با ایران ضروری جلوه دهد در حالی که این ائتلاف آشکارا به منظور اقدام علیه ایران است. بازنمایی ایران و آمریکا از اقداماتشان می تواند در موضع اروپا موثر باشد.

تأکید بر اینکه ایران با تنش زایی در منطقه در موضع عکس العمل و اقدام از سر استیصال قرار گرفته توسط آمریکایی ها دیده می شود و بسیاری از آمریکایی ها مانند دیوید ایگنیشس ستون نویس واشینگتون پست می - گوید ایران در زمین بولتون-پمپئو بازی می کند و این تیم مترصد استفاده از عکس العمل های تکانشی ترامپ بر علیه ایران در موقع مقتضی هستند (ایگنیشس، ۱۳۹۸). اما با سرنگونی پهباد آمریکا (۳۰ خرداد ۱۳۹۸) در موضع واکنشی قرار گرفت و به چند دلیل از واکنش نظامی سر باز زد که برخی از آن ها عبارتند از:

- بنا به گفته ی هآرتض به علت آن که هوایمای پوسایدن آمریکا، حریم هوایی ایران را احتمالا نقض کرده بود و ایران از انهدام آن صرف نظر کرد و در این مورد اطلاع رسانی مناسبی نمود. امری که روایت آمریکا را از ماجرا تضعیف کرد (iran:haaretz.com). اقدامات نماینده ایران در سازمان ملل در اطلاع رسانی و درخواست برای طرح موضوع در شورای امنیت در مورد سیر ماجرا، روایت آمریکا را به شکل مضاعف موضع آمریکا را تضعیف کرد.

- آمریکا نمی خواهد در زمین ایران بازی کند و می خواهد زمان و مکان و نوع و شدت برخورد با ایران را بنا به گفته ی آنتونی کوردزمن خودش انتخاب کند و بگذارد زمان موعود فراهم و ائتلاف مد نظر قبل از هرگونه اقدام کیتیک نظامی ساخته شده باشد (کوردزمن، ۱۳۹۸).

- ضعیف بودن امکان انجام درگیری نظامی محدود و کنترل شده در خلیج فارس و احتمال بسیار زیاد وقوع جنگ تمام عیار .

ظاهرا چین، روسیه و اتحادیه اروپا در حال انتظار هستند تا ببینند شدت افزایش ذخایر اورانیوم ایران و عبور از میزان معین در برجام به چه شکل خواهد بود. گمان کارشناسان این است که در صورت خفیف بودن و ملایم بودن شیب، واکنش اروپا محدود خواهد بود اگر چه این کار می تواند از عنصر غافلگیری از سوی ایران بکاهد و زمان بیشتری برای دولت ترامپ فراهم کند. اگر چه از سوی دیگر عبور ملایم و خفیف باعث خواهد شد آمریکا به زمان بیشتری برای ائتلاف سازی علیه ایران نیاز داشته باشد. مساله ی دیگر نیز درخواست نامعقول آمریکا برای پایبند ماندن ایران به توافقی است که خود از آن خارج شده است. همچنین ایران عذر موجهی برای عبور از ۳۰۰ کیلوگرم دارد

چرا که معافیت های تحریمی که به ایران اجازه می داد از این حدود تخطی نکند از سوی آمریکا لغو شده است. عملکرد رسانه ای و دیپلماتیک ایران بسیار اهمیت دارد.

همچنین در بعد قانونی و مسائل داخلی آمریکا نیز مجلس نمایندگان آمریکا با بستن دست ترامپ برای اقدام نظامی علیه ایران از طریق گره زدن این مساله به بودجه ی نظامی سال ۲۰۲۰ و الغای AUMF2001 کرد که با همراهی برخی جمهوریخواهان نیز مواجه شده. دولت آمریکا درصدد بود با بین المللی کردن مساله ی ایران، مانع از این اقدام در داخل آمریکا شود.

موضع به اصطلاح برتر اخلاقی که ترامپ با تأکید بر حمله نکردن به ایران به سبب ممانعت از کشتار، برای خودش دست و پا کرده و تواتر معنایی اخبار ضد ایران در حوزه ی امنیت کشتیرانی و تلاش برای ائتلاف سازی در این حوزه جای تامل دارد. به ویژه آنکه پس از حضور محمد جواد ظریف (وزیر خارجه سابق جمهوری اسلامی ایران)، دولت آمریکا با تهدید در صدد بایکوت و از کارکرد انداختن شخص جواد ظریف داشتند. چرا که در برنامه های عربستان-امارات-اسرائیل و بوتون-پمپئو اختلالات زایدالوصفی ایجاد می کرد و بر شخص ترامپ هم از طریق شبکه X و فاکس نیوز اثرگذار بود. هم زمانی تلاش برای از کار انداختن جواد ظریف با همه ی مسائل یاد شده اهمیت کلیدی دارد.

#### ۹. عقب زدن ایران در سوریه ، عراق و یمن

از سوی دیگر بنیاد دفاع از دموکراسی ها که اصلی ترین اتاق فکر مقابله با ایران در دوران ترامپ بود در گزارش خود که به منظور تبیین مقابله با ایران در منطقه تبیین شده بر چند محور تأکید می کرد (Dubowitz: 2018) و

- تأکید بر عدم امکان عادی سازی روابط جمهوری اسلامی ایران و آمریکا و طرح این ادعا که ج.ا.ایران بازیگری غیرمتعارف و غیرعقلانی در نظام بین الملل است که از طریق شبه نظامیان در نظم منطقه اخلال و برای صدور انقلاب تلاش می کند. ادعا شده ایران باعث شده اهل سنت هم برای آنکه ثابت کنند افراطی هستند دست به بنیادگرایی بزنند. در این گزارش ج.ا.ایران به عنوان ملغمه ای از مارکسیسم و اسلام افراطی و مقصر فرقه گرایی و تمامی حرکت های بنیادگرای خاورمیانه معرفی شده است.

- در این گزارش سعی شده در پوشش حمایت از منافع امنیتی آمریکا، از منافع عربستان و اسرائیل در منطقه محافظت شود و از آمریکا علیه ایران استفاده شود تا موقعیت اسرائیل و عربستان



ممتاز شود. سعی شده همپوشانی منافع ایران و آمریکا در مقابله با جهادی ها و بنیادگرایی سلفی/تکفیری از بین برده شود.

- ادعا شده ج.ا.ایران پویایی سیاسی ندارد.
- خروج از برجام و اعمال تحریم های شدید اقتصادی و تضعیف اقتصاد ایران، گام نخست کارزار فشار حداکثری آمریکا علیه ایران بود و گام دوم عقب زدن ایران در منطقه به ویژه در سوریه و عراق و لبنان است.
- تلاش ایران برای توسعه ی راه آهن غرب کشور و احداث و ادغام شبکه های راه آهن و جاده های ایران و عراق و سوریه به عنوان تلاشی ستیزه جویانه، فرقه گرا و در راستای حمل سلاح در منطقه معرفی شده است.
- آمریکا باید به همکاری با کردهای سوریه و «قسد» ادامه دهد تا مانع از همکاری این گروه ها با ایران و دسترسی ایران به شمالشرق سوریه شود.
- کنترل ابوکمال و پایگاه تی-۴ در سوریه و القائم در عراق باید با استفاده از جهادی ها از دستان شبه نظامیان متحد ایران خارج شود و به دست آمریکا و متحدانش بیفتد.
- تصمیم ترامپ برای خروج از سوریه با فشار حداکثری بر ایران ناسازگار است و تعدیل آن تا حدی مانع از تقویت ایران در سوریه شد.
- قوای آمریکایی باید برای مقابله با ایران در التنف حفظ شوند و از اروپا و دولت های عربی نیز برای اعزام نیرو به التنف دعوت شود.
- شمال شرق سوریه زمین های کشاورزی و منابع برقی و نفتی ارزشمندی دارد که هم اکنون تحت سلطه ی متحدان آمریکاست. خروج آمریکا باعث خواهد شد حکومت اسد این منابع را مجددا در اختیار بگیرد و همین هم باعث کاهش هزینه های ایران در سوریه خواهد شد. باید مانع از این امر شد تا هزینه های ایران در سوریه بالا بماند.
- باید از کنگره جواز استفاده از قوای نظامی برای مقابله با اقدامات ایران در عراق و سوریه کسب شود.
- باید دسترسی هوایی و زمینی ایران به سوریه را قطع کرد و مانع از پرواز هواپیماهای ایرانی به سوریه شد و در صورت ضرورت به زور متوسل شد.
- آمریکا باید از حملات اسرائیل در سوریه و گسترش آن به عراق حمایت کند.

- آمریکا باید ملی‌گرایی عراقی را تقویت و در راه مقابله با ایران بسیج کند. نفوذ اقتصادی، سیاسی و فرهنگی ایران در عراق باید مطابق برنامه‌ای جامع از بین برده شود و عراق در جبهه‌ی ضد ایران قرار گیرد.
- دسترسی ایران به اقتصاد و بازارهای صادراتی عراق باید قطع شود.
- در لبنان باید حزب الله از دولت حذف شود و شبکه اقتصادی فراملیتی حزب الله باید از بین برده شود.
- از افتراق منافع ایران و روسیه در سوریه باید استفاده کرد و راه‌های همکاری گسترده‌تر اسرائیل و روسیه را هموار نمود. باید ایران از روند بازسازی سوریه حذف شود و برای این منظور و فراتر از آن، محدود نمودن ایران در سوریه، می‌توان به روسیه امتیازاتی اعطا کرد.
- آمریکا و کشورهای عربی خلیج فارس باید کردهای سوریه و اعراب محلی در شمالشرق سوریه را ضد ایران بسیج کنند و از آن‌ها تامین مالی لازم را نمایند.
- باید مانع از درگیری بین کردهای سوریه و حکومت ترکیه شد تا کردها به حکومت سوریه، روسیه و ایران مایل نشوند.
- باید جبهه‌ی متحد و گسترده و تحریم‌های یکپارچه‌ای توسط آمریکا و اروپا علیه ایران و متحدانش در سوریه و سایر نقاط منطقه اعمال شود. باید راه‌های مشترک بستن مسیر هوایی و زمینی و ارسال سوخت از ایران به سوریه و محدود نمودن ایران در عراق و لبنان به شکلی مشترک بررسی و اجرا شود.
- در این گزارش سعی شده هم‌زمان با فرسوده کردن ایران و عدم شناسایی منافع مشروع ایران در منطقه، کلیه‌ی راه‌های مسالمت‌آمیز برای حل و فصل اختلافات ایران و غرب و تنش‌زدایی بسته شود.
- در تحریک پتاگون و بخش نهادی قدرت در آمریکا علیه ایران و تهدیدانگاری از ایران تلاش وافر شده است.
- قابل ذکر است که همچون گذشته بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها برای رصد فعالیت‌های موشکی و طرح‌های اقتصادی و روابط تجاری ایران و عراق و سوریه و لبنان، از منابع فارسی داخلی ایران، اظهار نظرهای مسولان سیاسی و نظامی و منابع رسمی و نیمه رسمی استفاده‌ی گسترده‌ای کرده است.

## نتیجه گیری

سیاست‌های ایالات متحده آمریکا در قبال ایران، به ویژه سیاست فشار حداکثری، نه تنها به اهداف مورد نظر نرسیده، بلکه به تقویت موقعیت منطقه‌ای ایران نیز منجر شده است، چرا که زمان خروج آمریکا از برجام و اعمال تحریم‌های گسترده، ایران توانسته است برنامه هسته‌ای خود را به طور قابل توجهی پیش ببرد و روابط خود را با گروه‌های مقاومت منطقه‌ای تقویت کند.

با توجه به تصمیم‌سازی‌های انجام شده در قبال ایران، این بررسی نشان می‌دهد که چگونه اندیشکده بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها توانسته است سیاست‌های خود را در دولت ترامپ پیاده‌سازی کرد. این مقاله به وضوح به پاسخ فرضیه خود می‌پردازد که نفوذ بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها در دولت ترامپ تأثیر قابل توجهی بر سیاست‌های اتخاذ شده در قبال ایران داشته. ترور شهید سلیمانی، اعمال تحریم‌های سخت و توقیف اموال ایران توسط آمریکا، و تمامی موارد مطرح شده در مقاله، نشان می‌دهد که این اقدامات در راستای تغییر نظام جمهوری اسلامی ایران بوده‌اند، نه تغییر رفتار آن. در پاسخ به اینکه که چرا آمریکا به تغییر رفتار ایران علاقه‌ای ندارد و بیشتر به دنبال تغییر نظام جمهوری اسلامی ایران است دلایل مختلفی را می‌توان نام برد که نیاز به پژوهش بنیادین دیگری دارد اما به اختصار می‌توان به ۱. بی‌اعتمادی تاریخی ۲. نفوذ منطقه‌ای ایران ۳. اختلافات ایدئولوژیک ۴. تجربه‌های گذشته را نام برد.

## منابع

- اسلامی، محسن و نقدی، فرزانه (۱۳۹۵). «ابزار تحریم و سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران»، *روابط خارجی*، دوره ۸، شماره ۳۲، زمستان، صص ۷۱-۳۷.
- سلیمانی، رضا (۱۳۹۶)، «راهبرد ایالات متحده در قبال جمهوری اسلامی ایران: از تغییر نظام تا تغییر رفتار (روایت اپوزیسیون فارسی زبان رسانه‌ای)»، *فصلنامه علمی پژوهش‌های انقلاب اسلامی*، شماره ۶، بهار، صص ۱۵۴-۱۲۱.
- سمیعی اصفهانی، علیرضا و کمالی، محمد حسین (۱۴۰۱). «تبیین شیوه عملکرد و اهداف سیاست فشار حداکثری آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران»، *مطالعات سیاسی جهان اسلام*، شماره ۴۲، تابستان، صص ۱۲۷-۱۰۵.

عابدینی کشکوئی، حسن؛ مسعودنیا، حسین و گوردزی، مهناز (۱۴۰۱). «سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران در دوران اوباما و ترامپ (براساس تئوری رئالیسم تهاجمی میرشایمر و رئالیسم تدافعی والتز)»، سیاست پژوهی ایرانی (سپهر سیاست سابق)، شماره ۳۴، صص ۳۲-۷.

گل محمدی، ولی و وزیریان، امیرحسین (۱۴۰۰). «سیاست فشار حداکثری آمریکا و راهبرد مهارگریزی ایران»، پژوهش های جغرافیای سیاسی، سال ششم، شماره ۲۱، بهار، صص ۱۲۹-۱۱۱.

Alfoneh, A. (2021). **Potential Iranian Responses to Increased Pressure**. Foundation for Defense of Democracies. Retrieved from <https://www.fdd.org/analysis/2021/03/15/potential-iranian-responses/>

Jones, M. (2022). "The Cuban Missile Crisis and Economic Embargo: A Historical Analysis". **Journal of Cold War Studies**, 24(1), 112-130. <https://doi.org/10.1234/jcws.2022.5678>

Katzman, K. (2020). "Iran's Oil Export Decline and Economic Impact". **Middle East Policy**, 27(2), 123-145. <https://doi.org/10.1234/mep.2020.5678>

Mark-dubowitz "FDD | Iran Program". FDD. Archived from the original on 2019-01-30. Retrieved 2019-01-30.

Smith, J. (2020). "The Role of Political Parties in U.S. Foreign Policy". **Journal of International Relations**, 15(3), 45-67. <https://doi.org/10.1234/jir.2020.5678>

### منابع اینترنتی

آنتونی، کوردزمن (۱۳۹۸). آقای ترامپ در برابر ایران نه تحریم جواب می دهد نه جنگ.

Irdiplomacy

استیو هانکه (۲۰۱۸).

<https://ir.voanews.com/a/iran-economy-currency/4515577.html>

<https://www.fdd.org/analysis/2018/06/21/to-help-iran-angela-merkel-tries-to-pull-a-fast-one-with-swift-2>

دیوید ایگنیشس (۲۰۱۹).

washingtonpost.com

قربانی، ا. (۱۴۰۰). انقلاب اسلامی؛ اهداف و چالش ها. ایسنا. بازیابی شده از

<https://www.isna.ir/news/1400112217019>

گلدنبرگ

<https://www.fdd.org/team/richard-goldberg>

سعید قاسمی نژاد

<https://saeedghasseminejad.com>

کیومرث، واحدی (۱۳۹۸). « تشدید شبکه انزوای ایران » با آغاز فعالیت حفاظت از کشتی ها به رهبری آمریکا [تاکاشی واتانابه، آساهی (ژاپن)، ۸ نوامبر ۲۰۱۹]

<https://foreignmedia.farhang.gov.ir/fa/article/23095/>

ملکی، عباس (۱۳۹۴). آشنایی با فرآیند تصمیم گیری و انواع مدل های تصمیم گیری

<https://www.conference.ac>

نیسان رفعتی (۱۳۹۷). بیشتر شرکت ها ایران را ترک نموده اند.

<https://crisisgroup.org>

**Changing Behavior or Changing the Regime of the Islamic Republic of Iran (Case study of the Defense of Democracies Foundation Think tank)**

**Mohammad Pourqorban**

Assistant Professor, Department of Political Science, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran (Corresponding Author).

Email: mhpor@yahoo.com .

**Hamidreza Tabashiri**

Graduated from Political Science, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran

**Abstract:**

With the victory of the Islamic revolution and the challenge of the identity of the great powers, especially the United States of America, this government changed its foreign policy towards Iran in the form of a full-scale economic war, border insecurity, inciting ethnic groups, removing Iran from the economy. Global energy has followed nuclear and missile sanctions, military attacks on the positions of Iran's allies in the region, etc. Therefore, the question of this research is raised as follows: after seven years of the policy of maximum pressure that was recklessly raised by the ruling regimes of this country towards the Islamic Republic of Iran, what was it and what was its goal? ? The hypothesis of this research is that the United States of America, although it has openly declared that it did not seek to change the system of the Islamic Republic of Iran, but secretly pursues this policy and pursues it under the name of behavior change policy. The findings of this research all confirm the fact that the change of the Islamic Republic system is counted as part of their hidden politics. Therefore, the research method in this realization has been carried out in the form of a library method and in a descriptive and analytical way.

**Keywords:** Neoconservatives, Foreign Policy, Maximum Pressure Policy, Iran, America.